

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

از بزرگترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت، و زندگی مادی از عبادت، و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا - معادالله - جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرتها و جنایتکارانند، و استضعاف و استعمار و خلاق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آنهاست، و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده بی‌مهار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند؛ چرا که وعظاالسلطین و نوادگان «بلعم باعورا»، فریاد برخاوند آورد که دخالت در سیاست کردید، و اسلام را چه به سیاست؟! این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند. آنچه جای تأسف است، این‌که سالها غفلت مسلمین و مهجور ماندن قرآن سبب شد که دستهای تحریف بتوانند به نام دین، هر سخن باطلی را در اذهان جای داده و بدیهترین اصل دین خدا را منکر شوند و شرک را جامه‌ی توحید پوشانده و مضمون آیات قرآن را بی‌دغدغه انکار کنند، و در حالی که قرآن اقامه‌ی قسط را هدف از ارسال رسل می‌داند؛ «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» (۱۱)، و در حالی که با خطاب «کونوا قوامین بالقسط شهدا لله» (۱۲)، همه‌ی مومنین را موظف به تلاش برای اقامه‌ی قسط می‌کند، و در حالی که آیات کریمه‌ی قرآن، اعتماد به ستمگران را ممنوع می‌سازد و به پیروان خود می‌فرماید: «و لا تترکونوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» (۱۳)، و گردن نهادن به ظلم طاغوت را منافی با ایمان می‌شمرد و می‌گوید: «الم تر الی الذین یزعمون انهم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امرنا ان یکفروا به» (۱۴)، و کفر به طاغوت را در کنار ایمان به خدا قرار می‌دهد؛ «فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی» (۱۵)، و در حالی که نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه‌ی قدرتهای مادی و سیاسی و همه‌ی بنه‌ای بی‌جان و باجان بود، و در حالی که اولین اقدام پیامبر(ص) پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره‌ی سیاسی جامعه بود، و با دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می‌کند، باز کسانی پیدا می‌شوند که بگویند دین از سیاست جداست، و کسانی هم پیدا شدند که این سخن ضداسلامی را از آنها بپذیرند.

سیاستمدارانی که دایما دم از جدایی دین و سیاست می‌زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می‌کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده‌اند؟ آیا فکر کرده‌اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه‌ی امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف‌بندی‌های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می‌کند؟ آیا در آیه‌ی «یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیا» (۱۶) و آیه‌ی «و لاتطیعوا امرالمسرفین الذین یفسدون فی الارض و لایصلحون» (۱۷)، با آیات معرفی حزب‌الله و حزب‌الشیطان، یا آیات ولایت‌الله، یا آیات حکم به غیر ما انزل‌الله، اندیشیده و در آن تامل کرده‌اند؟ آیا اعمال و رفتار سیاسی و اجتماعی انسانها که بیشترین بخش زندگی آنهاست، بدون جزاست؟ پس «و وجدوا ما عملوا حاضرا» (۱۸) و «وفیت کل نفس ما عملت» (۱۹) چیست و با کدامین میزان سنجیده می‌شود؟ آیا می‌توان گفت اسلام در دنیا به خوب و بد این‌گونه اعمال کاری ندارد و وظیفه‌ی مقرر نمی‌کند؛ ولی در آخرت جزای آن داده می‌شود؟

آیا جهاد اسلامی که درصدها آیه‌ی قرآن و حدیث مسلم، در زمره‌ی برترین فرائض دینی قرار گرفته و ترک آن مایه‌ی ذلت و شقاوت دنیا و آخرت شناخته شده، برای به دست آوردن چه چیز و دفاع از کدامین ارزش است؟ آیا حیات طبیعی که برای تحصیل آن باید جهاد کرد، زندگی در زیر سایه‌ی شوم ولایت غیرخداست؟ بر خاک مذلت ننشستن و حاکمیت جباران و ارزشهای غیرالهی را تماشا کردن و تن به ذلت دادن است؟ و اگر چنین نیست و جهاد برای تحصیل حاکمیت الله و خروج از ولایت طاغوت به ولایت الله است، پس چگونه می‌توان نقش و ارزش سیاست را در دین و در هدفهای تعیین‌شده‌ی دینی، دست کم یا نادیده گرفت؟ بدیهی است که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته‌ی دشمنان پلیدی است که از اسلام زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته‌اند صحنه‌ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیا را به دست گیرند و بی‌دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و ناسف‌انگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این همصدایی برخی ملیسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین‌فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب قدرت و مکتب است، که مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسی‌شان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.

این وعظاالسلطین(لعنهم‌الله)، به این هم اکتفا نمی‌کنند که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و نایب جنایتکاران هم می‌پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبری از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آنها و افکار آیات خدا - ولو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و همنوایی با محرومان و ستم‌دیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانیهای خارجی و محکوم کردن خیانت روسا و سلاطین مسلمان‌نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟! این‌جاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی‌الله و فانی فی‌الله آشکار می‌شود که اسلام را به اسلام ناب محمدی(ص) و اسلام امریکایی تقسیم می‌کرد.

اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آنهاست؛ بهانه‌ی برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ی برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنان‌که درصداً اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه‌ی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).

اسلام امریکایی، اسلام انسانهای بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ی برای زاندوزی یا قدرت‌طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تاویل می‌کنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و روسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت‌نگین خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تامین سود خود، با هر همه‌ی فضیلت‌ها و ارزش‌ها می‌کوبند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۵/۰۹/۱۹

قدم اول بعد از بعثت، نهضت، مبارزه و حرکت است. هیچ پیغمبری نتوانست این راه را بدون مبارزه بپیماید؛ این بار را به منزل برساند و این پیام را به مردم ابلاغ کند. این طور نیست که مردمی که بعثت در قلب آنها، در میان آنها و در محیط آنها انجام گرفته است، آن دنیا را جدیدی را که بعثت پیشنهاد می‌کند، به آسانی بپذیرند. لذا مبارزات با پیغمبران شروع می‌شود و پیغمبران، پر دشمن‌ترین انسان‌هایی هستند که حامل یک‌بار امانت و یک حقی هستند؛ و بعثت از روز اول، با این دشمنها مواجه شد و مبارزه‌ی پیغمبر نیز از روز اول آغاز گردید و این مبارزه، تا لحظه‌ی وفات نبی اکرم- بیست و سه سال- طول کشیده است.

شما توجه بفرمایید که این بیست و سه سال، چه سالهای مبارکی بوده است. بیست و سه سال، یک‌عمر طولانی و زمان زیادی نیست. شما خیلی افراد را

مشاهده می‌کنید که در طول بیست سال، بیست و سه سال یا بیست و پنج سال موفق نمی‌شوند که حتی یک کار قابل ارائه و قابل عرضه انجام دهند. معمولاً زندگی‌ها به امور شخصی می‌گذرد. اگر کارنامه‌ی انسان‌های بزرگ را - چه دانشمندان، چه فلاسفه و چه سیاستمداران - نگاه کنید، محدوده‌ی کار آن‌ها را در طول بیست و سه سال خواهید دید - البته به اختلاف ظرفیت و توان اشخاص - معلوم نیست که بتوانند کارهای خیلی بزرگی انجام دهند. اما ببینید برکات این سالیان کوتاه، بیست و سه سال که پیغمبر اکرم، عمر مبارکش را در دوران بعثت گذرانید، چقدر زیاد است! در قلب جاهلیت و در قلب قرون جاهلی عالم - نه فقط منطقه‌ی جاهلی، بلکه قرن‌های جاهلیت بشر و تراکم ظلمات جهل - توانست بنایی را برافرازد و شعله و چراغی را برافروزد که نورانیت آن در طول تاریخ، روز به روز بیشتر خواهد شد و مردم بیشتری را دستگیری خواهد کرد و به هدایت خواهد رساند.

شروع این راه در سیزده سال اول زندگی پیغمبر است؛ تا اینکه منتهی به تشکیل حکومت می‌شود. پس قدم بعدی، تشکیل نظام مبتنی به این تفکر و بر مایه‌ی بعثت است. لذا توجه می‌کنید از این ترتیب، خوب می‌شود فهمید حرف کسانی که سعی می‌کنند تا دین و بخصوص دین اسلام را جدای از حکومت معرفی کنند، غلط است. البته همه‌ی ادیان در این جهت مثل هم هستند؛ لیکن این ادعا در مورد اسلام، خیلی عجیب است که کسی بخواهد دین اسلام را از زندگی، سیاست، اداره‌ی کشور و از حکومت جدا کند؛ کنار بگذارد و بین این‌ها تفکیک ایجاد نماید. اسلام از روز اولی که به وجود آمد، با یک مبارزه‌ی دشوار، به سمت تشکیل یک نظام و یک جامعه حرکت کرد. بعد از سیزده سال مبارزه هم، پیغمبر اکرم توانست - اگرچه نه در شهر خود و در نقطه‌ی ولادت این بعثت، اما در نقطه‌ی دیگری از دنیای آن روز - این نظام را سرپا کند و به وجود آورد.

### بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۷۶/۱۲/۱۲

مسئله دیگری که توجه به آن خیلی لازم است، مسأله دین و سیاست است. جدا کردن دین از سیاست که شاید از قریب دویست سال قبل در برنامه دشمنان دنیای اسلام بوده است، نکته بسیار مهمی است. ولو خود این کلمه را تکرار کنید که «سیاست اسلام از دیانت آن جدا نیست، این تکرار شود، گفته شود و به گوش همه برسد.

پیامبر اکرم، اول که به مدینه تشریف بردند، یک حکومت تشکیل دادند. حکومت یعنی چه؟ نرفتند گوشه‌ای بنشینند و بگویند هر کس خواست مسأله بپرسد - چون کفار قریش نیستند که ایجاد مزاحمت کنند - بیاید پیش ما آزادانه بپرسد! یا مثلاً هر که خواست نماز یاد بگیرد، برود از فلانی یاد بگیرد یا از خودمان بیاموزد. اول، یک حکومت و یک ریاست تشکیل دادند. کار اول اسلام این است. بعد هم بلافاصله این حکومت شروع به کارهای حکومت مقتدر کرد؛ جنگیدن، مبارزه کردن، بعد کم‌کم نامه‌نگاری به این طرف و آن طرف و حل و فصل امور دیگر. در مقابل این واقعیت، چه کسی می‌تواند غیر از آنچه که معنا و مفهوم صریح آن، وحدت دین و سیاست در اسلام است، مطلبی اقامه کند؟

### پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی / ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

امام بزرگوار ما با اراده‌ی مکتب سیاسی اسلام، خط بطلان بر همه‌ی تلاش‌های فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام در طول یک قرن و نیم گذشته کشید که سعی کرده بودند اسلام را بکلی از عرصه‌ی زندگی جامعه بیرون رانده و با طرح نظریه‌ی جدایی دین از سیاست، دینداری را فقط پرداختن به عبادت و اعمال شخصی قلمداد کنند، و با حذف اسلام از صحنه‌ی سیاست جهان، کشورهای اسلامی را عرصه‌ی غارتگریها و تاخت و تازهای سیاسی و نظامی خود نمایند.

با اراده و تعلیم و تبلیغ مکتب سیاسی اسلام، که در آن هم نقش مردم و اراده و خواست آنان و هم نقش هدایت الهی و احکام سعادتبخش قرآنی در اداره‌ی زندگی عمومی و حکومت، مشخص گردیده، و جایگاه ایمان و جهاد و اراده و تدبیر تبیین شده است، مبارزات گسترده‌ی مردم، سمت و سوی منطقی و فکری خود را یافت و امام حکیم فرزانه و شجاع، در موضع رهبر بی معارض، چون خورشیدی صحنه‌ی مبارزات را روشن کرد، و سیل عظیم مردم به سوی میدانهای نهضت اسلامی سرازیر شد، و رهبری حکیمانه و همیشه بیدار امام موجب شد که هجوم وحشیانه‌ی رژیم و مزدورانش به مردم مبارز، نه فقط عزم و اراده‌ی آنان را سست نکند، که آتش خشم و عزم انقلابی آنان را تیزتر نیز بنماید.

### بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۱/۰۲/۰۵

امروز شما ببینید دنیا از چه ابزاری استفاده می‌کند؛ ابزارهای تبلیغاتی پیشرفته علیه نظام و اهداف اسلامی و علیه اصل اسلام. یک روز می‌گفتند با اسلام سیاسی مخالفیم؛ اما امروز اصل اسلام هم اگر در گوشه‌ای پیدا شود، برای آنها قابل تحمل نیست! دشمن، این گونه از ابزارهای مختلف استفاده می‌کند. ما باید در این زمینه‌ها خیلی هوشیارانه حرکت کنیم. در دنیایی که بر پایه ظلم می‌چرخد، اگر ما بتوانیم علم عدالت را در این‌جا برافراشته نگه‌داریم، شما بدانید دل‌های ملت‌ها - حتی ملت‌های غیر مسلمان - مجذوب خواهد شد؛ چون همه تشنه عدالتند. امروز دنیا تشنه عدالت است.

### بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۴

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیا کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه‌گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال‌طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه‌گران برای این‌که استیلای خود را بر ملت‌ها و منابع کشورهای اسلامی هرچه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار می‌دیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش‌شده اسلام را احیا کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد؛ ضدیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد. از روز اول تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابرنه‌ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسوولان و به همه ما تاکید کرد که باید رعایت حال ضعیف را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابرنه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجه نمودیم و در برنامه‌ریزیها، قانونگذاریها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.

اسلام سعادت مردم را دنبال می‌کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرر بیان کرد. امام عظیم‌النشان ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام - یعنی مقررات اداره زندگی مردم - در کنار فلسفه اسلام - یعنی تفکر روشن‌بینانه و عمیق و استدلالی - و عرفان اسلام - یعنی زهد و انقطاع الی‌الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی - چه معجزه بزرگی می‌تواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند. امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کنند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره‌های خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌العملی از

خود نشان نمی‌دهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متعجر و خرافی و همچنین ضداسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه دشمن اسلام روی آن تاکید می‌کند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به این‌که دشمن چه می‌کند، متجاوز چه می‌کند، اشغالگر چه می‌کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ می‌کنند. امام نقطه مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می‌بینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آنجا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدران و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه دخالت و تسلط و سیطره دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می‌خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.

#### پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۸۳/۱۱/۰۸

دنیای اسلام پس از رخوت و خواب آلودگی درازمدت و خسارت بار خود که سرانجام به سیطره سیاسی و فرهنگی بیگانگان انجامید و منابع مادی و بشری اش در خدمت رشد و اقتدار و سلطه دشمنانش قرار گرفت، اکنون خود را بازیافته و به مرور، در برابر غارتگران و حرامیان، جبهه گرفته است. نسیم بیداری اسلامی در همه جای جهان اسلام وزیده و پانهادن اسلام به عرصه عمل، به مطالبه ای جدی بدل شده است. نظریه «اسلام سیاسی» جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مد نگاه آنان، افقی روشن و امیدبخش گشوده است. با افول اندیشه‌های وارداتی و پرچمال، همچون سوسیالیسم و مارکسیسم و به خصوص با دریده شدن پرده ریا و فریب از روی دمکراسی لیبرال غرب، سیمای عدالتخواه و آزادی بخش اسلام، از همیشه آشکارتر گشته و بی رقیب، در صدر آرزوهای عدالتخواهان و آزادی طلبان و نخبگان و اندیشمندان نشسته است. جوانان و جوانمردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می دهند.

#### پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۸۳/۱۱/۰۸

صهیونیست‌ها در فلسطین، خون پیر و جوان و زن و مرد و کودک را می ریزند و خانه‌ها را ویران می سازند. آمریکا و انگلیس در عراق به تظاهرکنندگان بی سلاح حمله می کنند و حریم خانه‌ها و حرمت نوامیس مردم را می شکنند. هنوز آتش‌های برافروخته آنان فرو ننشسته، دنیای اسلام را به آتش افروزی‌های دیگر نوید می دهند. این رفتارهای عصبی و شرارت آمیز، بیش از آنکه برخاسته از قدرت و اعتماد به نفس باشد، ناشی از سراسیمگی و وحشت است. آنان بیداری اسلامی را حس می کنند و از فراگیری اندیشه «اسلام سیاسی» و حاکمیت اسلام بشدت احساس خطر می کنند. آنان از فکر روزی که امت اسلامی یکپارچه و امیدوار، بپاییزد به خود می لرزند.

#### بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۳/۰۲/۱۴

امروز پرچم اسلام، پرچم دینداری، پرچم شجاعت و پرچم نوآوری در زمینه‌ی سیاست در دست ملت ماست. دشمنها در تبلیغات خود سعی می کنند این دستاوردها را کوچک نشان دهند و آنچه را که این ملت به دست آورده، از قلم ببندازند؛ اما نمی توانند. انواع تلاشها را برای مقابله کرده اند. حتی کار دشمنان انقلاب اسلامی با محوریت امریکا به این جا رسید که سعی کردند نسخه‌ی بدل سر تا پا غلط از نظام اسلامی را در افغانستان به وجود آورند، که شد حکومت طالبان؛ تبدیل شد به یک کاریکاتور خنده آور مسخره؛ همان هم شد آفت جانشان. شاید به خیال خودشان می خواستند پرچم اسلامخواهی و احیای اسلام سیاسی را از دست این ملت بگیرند و دست کسانی بدهند که دست آموز خودشان بوده اند؛ اما نتوانستند و نخواهند توانست. خدا را شکر می کنیم که اراده‌ی ما محکم است؛ راهمان روشن است؛ مردمان مومن اند و مکتب سیاسی امام، زنده و درخشنده است. دشمنان ما هم قدرت ملت را فهمیده اند و به آن اعتراف کرده اند.

#### دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

در چنین شرایطی حرکت بیداری اسلامی نیز در منطقه آغاز شد و غربی‌ها که خود را عقب‌مانده از حرکت تفکر انقلاب اسلامی می‌دیدند، با سراسیمگی برای مقابله با بیداری اسلامی و اسلام سیاسی وارد میدان شدند.

#### بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام / ۱۳۹۳/۰۸/۳۰

هیئت‌ها نمیتوانند سکولار باشند؛ هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. اینکه آدم در یک مجلس روزه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نیادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است. البته معنای این حرف این نیست که هر حادثه‌ی سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتما در مجلس روزه آن را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف - بیان کنیم و احیانا با یک چیزهایی هم همراه باشد؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام (رضوان الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد.

#### دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

در مراکز فرهنگی همچنین باید از افراد اهل فرهنگی استفاده کرد که واقعا متدین و انقلابی و معتقد به اسلام سیاسی و مردم سالاری دینی باشند.

#### پیام رهبر انقلاب به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا / ۱۳۹۳/۱۱/۰۲

جوانان! عزیزان!

حضور شما در مراکز دانشگاهی کشورها، فرصت نگاه ژرف و حکمت‌آمیز به رویدادها و پدیده‌های جهان را به شما و فرصت بهره‌مندی از دانشمندان جهان‌نگر و جهان‌شناس را به ایران آینده می‌بخشد. اینها را باید قدر شناخت. فریفتگی به همان اندازه زیان‌بخش است که بی‌خبری. امروزه به‌طور ویژه به این بیندیشید که چرا سیاست‌های غربی به اسلام‌هراسی دامن می‌زنند؟ و کدام عنصر پر قدرت در اسلام سیاسی به شیوه‌ی ایران است که قدرتمداران آرمند و متعدی و مستکبر را به همه‌گونه رویارویی با آن بر می‌انگیزد؟ دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این‌صورت هیچ اندوخته‌نی برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد.

### بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۳۱

به نظر من در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید متغیر شد؛ بلکه، اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام میترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می‌شکافیم و در مسئله دقت میکنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام میترسند؛ از اسلام سیاسی میترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع میترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را میترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه‌ی آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان میدهد که شما پیش رفتید؛ نشان میدهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفقیت‌آمیزی پیش ببرد.

### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۲/۲۰

اولین فریضه دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک‌عده‌ای تبلیغ میکنند و وانمود میکنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد - باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیتهای آنها را درست بشناسید؛ از واقعیتهای مثبت استفاده کنید، با واقعیتهای سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمندان به آرمانها باشد. این اولین فریضه دانشجویی است.

آرمانها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمانها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرنهای پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه میتوانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرفها؛ نه، اسلام آمده است که «الا لیطاع باذن الله»؛ (۱) فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همین‌جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمانها این است.

### بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۲/۲۰

آرمانها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمانها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرنهای پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه میتوانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرفها؛ نه، اسلام آمده است که «الا لیطاع باذن الله»؛ (۵) فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همین‌جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمانها این است.

### بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۲/۱۰/۰۸

با یک سیاستمدار آمریکایی مصاحبه کردند؛ مصاحبه‌گر از او می‌پرسد که دشمن آمریکا کیست؟ او در جواب میگوید دشمن آمریکا تروریسم نیست، دشمن آمریکا مسلمانها هم نیستند، دشمن آمریکا «اسلام‌گرایی» است؛ اسلام‌گرایی. یعنی مسلمان تا وقتی بی‌تفاوت راهش را بیاید و برود و انگیزه‌ای نسبت به اسلام نداشته باشد، احساس دشمنی با او نمیکند؛ اما وقتی اسلام‌گرایی به میان آمد، پایبندی و تقید به اسلام و حاکمیت اسلام به میان آمد، پایه‌ریزی همان تمدن اسلامی وقتی به میان آمد، دشمنی‌ها شروع میشود؛ راست گفته، دشمن او اسلام‌گرایی است. لذا وقتی بیداری اسلامی در دنیا اسلام رخ میدهد، شما می‌بینید چقدر دستچاچه میشوند، تلاش میکنند، کار میکنند بلکه ضایعش کنند، بلکه نابودش کنند؛ یک جاهایی هم موفق میشوند، البته من به شما عرض بکنم که بیداری اسلامی نابود شدنی نیست؛ بیداری اسلامی ان‌شاءالله به فضل الهی، به حول‌وقوه‌ی الهی به اهداف خود خواهد رسید.

### بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۳۰

آماج دوم مردمند، باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها [جایگزین شود]. اینها باید از ذهن مردم زوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

[میخواهند] باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البته ناشیگری میکنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه‌شده میدانند و میگویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه‌ی جغرافیای جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می‌گیرد و همه عمل میکنند - مثل حرارت مرکزی - یک جایی یک چیزی تولید میکند، بقیه مصرف میکنند. این را دارند ترویج میکنند؛ نفوذ یعنی این. البته این کاری است که دارد انجام میگیرد.

### بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

مخالفت با انقلاب هم دوجور است؛ یک‌وقت صریحاً کسانی با انقلاب مخالفت میکنند - که این هم در حوزه وجود دارد، نه اینکه وجود نداشته باشد، ما بی‌اطلاع نیستیم؛ حالا کسانی هستند صریحاً گوشه‌کنار [مخالفت میکنند]؛ البته کم هستند - یک‌وقت هست که نه، صریحاً با انقلاب مخالفت نمیشود، [بلکه] با مبانی و مبادی اعتقادی انقلاب مخالفت میشود؛ روی اینها باید حساس بود. اینکه ملاحظه میکنید بنده مرتب روی مسئله‌ی استکبار تکیه میکنم، روی مسئله‌ی آمریکا تکیه میکنم، [به خاطر] این نیست که از روی عادت، آدم دائم بخواهد یک حرفی را تکرار کند؛ نه، اینها احساس خطر است. اگر نظام اسلامی در قبال نظم منحنی جهانی هویت خودش را از دست داد، شکست خواهد خورد؛ اهمیت نظام اسلامی - که میگوییم دنیا را تکان داد این انقلاب - به‌خاطر این است؛ یک چیز جدید آورد. خوب، این چیز جدید، نظام ظالمانه و غیر عادلانه و مبتنی بر ظلم و زور و تزویر و مانند اینها را به چالش کشید؛ جمهوری اسلامی، نظام جهانی ظالمانه را به چالش کشید؛ علت مخالفت با ما هم همین است. [علت] اینکه با نظام اسلامی مخالفت میشود این است؛ والا اگر چنانچه اسلام غیر سیاسی، اسلامی که کاری به کار این‌وآن ندارد، اگر یک چنین اسلامی حاکم باشد، نه، هیچ اهمیتی هم نمیدهند و مخالفتی هم نمیکند. شما با آمریکا، با دستگاه استکبار، با صهیونیسم همراه باشید - در کار اقتصادی‌شان، در کارهای سیاسی‌شان، در جهت‌گیری‌هایشان - و مثل آنها فکر کنید، مثل آنها حرف بزنید، مثل آنها منشی کنید، هیچ مخالفتی ندارند؛ اسمتان مسیحی باشد، اسمتان بودایی باشد، اسمتان مسلمان باشد برایشان هیچ اهمیتی ندارد. (۴) (بله مرگ که حتماً بر آمریکا، اما حالا اجازه بدهید صحبت بکنیم). پس بنابراین، مسئله این است.

### بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم / ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

آن تحلیلی را که حالا باید جلوی انسان بیاورند، تماشا کنند، بخوانند، دقت کنند، تا به یک نتیجه‌ی عمقی برسند، این را امام همین‌طور نگاه که میکرد میفهمید؛ مرد

پخته، مرد آگاه. شما نگاه کنید ببینید روی چه چیزهایی این مرد حکیم پخته‌ی آگاه تکیه کرده، آنها اساس مسئله است، مسائل اساسی آنها است. اینها را نبایستی بتوانید تغییر بدهند؛ یک شکل مخالفت با نظام و مخالفت با این چیزها است. اگر چنانچه در کارهای ما، در حرفهای ما، در جهت‌گیری‌ها و رویکردهای تبلیغی ما مخالفت با آن مبانی وجود داشته باشد ضدیت با انقلاب و ضدیت با نظام اسلامی و ضدیت با اسلام سیاسی‌ای است که تحقق پیدا کرده. بعد از دوران صدر اسلام، اولین باری است که اسلام صحیح ناب متکی به قرآن و حدیث در عالم واقع، دارد تحقق پیدا میکند؛ حتی در دورانهایی که مثلا علما، محترم هم بودند، این‌جور نبوده. فرض کنیم در دوران صفویه؛ خب علما، محترم بودند؛ محقق‌کرکی از شام با میشود می‌آید در اصفهان یا در قزوین یا در کجا و شیخ‌الاسلام کل کشور هم میشود؛ پدر شیخ بهایی، خود شیخ بهایی، اینها همه کسانی هستند که جزو علمای بزرگ بودند، خیلی هم محترم بودند، اما اینها حداکثر کاری که میکردند این بود که مثلا فرض کنید که دستگاه قضاوت را برعهده بگیرند، آنها هم تا جایی که منافات با برخی از تدریج‌های دستگاه حکومت و سلطنت نداشته باشد؛ والا شاه‌عباس و شاه‌طهماسب و بقیه سلاطین، کار خودشان را میکردند، حکومت اسلامی نبود، حکومت دینی نبود. اینکه منشا و مبدا احکام حکومتی کتاب و سنت باشد، روایات ائمه باشد، از صدر اسلام - یعنی حالا آن مقداری که صدر اسلام بوده، بعد از آن- تا امروز دیگر سابقه نداشته است. امروز در ایران اولین بار است که یک چنین حکومتی به‌وجود می‌آید. معنای اسلام سیاسی این است؛ اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست‌آداری جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد؛ یعنی اسلام میشود مدیر جامعه. این بار اولی است که در اینجا اتفاق افتاده است؛ این را میخواهند از بین ببرند، این را میخواهند نابود کنند؛ نابودکردنش هم به همین شکلی است که عرض کردم.

#### بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

یک سنگر دیگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست بود. به همه باورانده بودند که دین باید در محیط سیاست، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند؛ این را باورانده بودند. حالا آنهاپی که با دین سروکار نداشتند که به جای خود، حتی متدینین و حتی بعضی از علمای دین باور نمیکردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولد اسلام در اول، با رویکرد سیاسی بود. پیغمبر اکرم اولین کاری که در مدینه کرد، حکومت تشکیل داد، اما این باور را در ذهنتان گنجانده بودند و از این سنگر علیه نظام و علیه کشور و علیه مردم فعالیت میکردند. جمهوری اسلامی آمد و این سنگر را هم منهدم کرد و نابود کرد. امروز دربارهی مسائل کشور از دیدگاه اسلامی و قرآنی، جوانهای ما و دانشجویهای ما در دانشگاه‌های ما [هم] دارند کار میکنند و تلاش میکنند، چه برسد به علما و حوزه‌های علمیه و مانند اینها.

#### بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام / ۱۳۹۵/۰۱/۱۱

یک نکته دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مداح تا حدود زیادی رواج دارد، توجه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخشهای مختلفی راجع به مدافعی حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمی است، اینها مسائل اساسی‌ای است؛ نباید خیال کنیم که اینها از حیطه‌ی تدین ما خارج است. خب شما ببینید پیغمبر اکرم که سید خلق عالم است و برتر از این بزرگوار هیچ موجودی را خدای متعال نیافریده است و آورنده‌ی همین دین و همین اسلامی است که ما امروز مدعی‌اش هستیم، در زمینه‌ی مسائل جاری سیاسی کشورش - همان کشوری که آن روز وجود داشت و کشور کوچکی بود- این بزرگوار چقدر تلاش میکرد، چقدر زحمت میکشید. پیغمبر اکرم نمی‌نشست فقط احکام نماز و روزه و توجه و عبادت و نماز شب را به مردم یاد بدهد؛ نه، در همین مسجد مردم را جمع میکرد، آنها را به جهاد دعوت میکرد، آنها را به وحدت دعوت میکرد، آنها را به آگاهی در مقابل دشمن دعوت میکرد؛ همین حرفهایی که امروز برای من و شما مطرح است. مسائل روز مسائلی نیست که بشود از آن صرف‌نظر کرد.

#### بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام / ۱۳۹۵/۰۱/۱۱

مداحی ضمن اینکه مدح بهترین خلائق عالم است - موضوعش مدح بهترین خلائق عالم است که اهل‌بیت (علیهم‌السلام) باشند لذا شان و رفعت والایی دارد؛ مداحی به‌طور طبیعی این است- اما شما نگاه کنید ببینید مثلا شاعری مثل دعیل خزاعی در قصیده‌ی «مدارس آیات» چه دارد میگوید؛ قصیده‌ی «مدارس آیات» آن قصیده‌ای [است] که حضرت [رضا (سلام‌الله‌علیه)] تشویق کردند و به او کسوه (۱۴) دادند و صلح دادند. این قصیده‌ای است که اصلا بساط بنی‌عباس را، فلسفه‌ی وجودی بنی‌عباس را زیر سوال میبرد و آنها را محکوم میکند؛ یعنی سیاسی محض است؛ فقط این نیست که یک روضه‌خوانی محض و مرثیه‌خوانی محض باشد؛ نه، مرثیه‌خوانی لازم است اما همان کاری که در کنار مرثیه‌خوانی انجام میگرفته، مورد توجه ائمه (علیهم‌السلام) است. قصیده‌ی دعیل، قصیده‌ی کمیت، قصائد گوناگون که شعرای آن‌وقت میگفتند، دیگران هم میخواندند و انشاد میکردند یعنی مثل شما که با صدا میخوانید، چه خود شاعر، چه دیگری، می‌آمدند و آنها را با صدا برای مردم میخواندند؛ وسایل تبلیغات جمعی عبارت بود از همینها؛ امروز شما از همینها میتوانید استفاده کنید؛ از وسایل تبلیغات جمعی بهره‌مند بشوید و مردم را هدایت کنید؛ این به نظر من کار بسیار اساسی‌ای است.

#### بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران / ۱۳۹۵/۰۵/۲۱

بعضی‌ها مسجد را - برخلاف آنچه ما حالا عرض کردیم- از مسائل سیاسی میخواهند بکلی برکنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به‌معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به‌معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هرکسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند؛ دشمنان همین را میخواهند. آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است]. از این‌جور اسلامی می‌ترسند. والا از اسلامی که ولو یک میلیون طرفدار هم فلان جریان یا فلان حزب یک گوشه‌ای در یک کشور یا در سراسر دنیا داشته باشد اما قدرتی در اختیار ندارد، واهمه‌ای ندارند؛ کاری [در برابر آن] نمیکنند. آن اسلامی که با آن مقابلند، با آن مخالفند، با آن دشمنند، کینه‌ی آن را در دل می‌پروراند، اسلام مقتدر است. آن وقت ما بیاییم اسلام را در کانونهای اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر (\*) جامعه بکلی منصرف کنیم؟ این جفاک بزرگی است در حق مسجد. (\*) جایی که کار بدان جا ختم میشود

#### بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

علاوه‌ی بر همه‌ی جهات گوناگونی که در حج - این فریضه‌ی بزرگ- وجود دارد، حج این خصوصیت را هم دارا است که مظهر آمیختگی معنویت و سیاست، معنویت و مادیت، و دنیا و آخرت است. و منم من یقول ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار؛ (۱) کسانی که در حج این‌جور دعا میکنند و حسنه‌ی دنیوی و حسنه‌ی اخروی را از خدای متعال مسئلت میکنند، اینها مطلوب و مقبول قرآنند؛ یعنی دنیا و آخرت در حج مجتمع شده است؛ حج مظهر یک چنین چیزی است. کسانی در طول سالهای متممادی تلاش کردند، امروز هم تلاش میکنند که در اسلام معنویت را از مسائل زندگی و مسائل اداره‌ی امور جوامع جدا کنند؛ [یعنی] «جدایی دین از سیاست». سالهای متممادی - شاید بشود گفت ده‌ها سال، صد سال یا بیشتر- دشمنان اسلام و نادانهای که از اسلام چیزی نمیدانستند،

روی این کار کردند؛ وقتی جمهوری اسلامی به وجود آمد و انقلاب اسلامی شد، این حرفها همه باطل شد؛ معلوم شد که نخیر، اسلام میتواند میدان سیاست را، میدان زندگی را، میدان اداره‌ی کشور را، میدان به صحنه آوردن مردم با همه‌ی توانشان و ظرفیتشان را به بهترین وجهی اداره کند؛ از شعارهایی که کمونیست‌ها میدادند تا آنهایی که لیبرال‌ها میدادند تا آنهایی که غربی‌ها میدادند، از همه‌ی اینها در این زمینه موفق‌تر عمل کرد. پس آن تلاشی که مدتها میکردند باطل شد لکن باز مجدداً شروع کردند؛ کسانی شروع کردند برای اینکه نسلهای جدید را از آمیختگی دین و سیاست، دین و زندگی، دین و علم، آمیختگی دنیا و آخرت، آمیختگی معنویت و مادیت -که در اسلام همه‌ی اینها هست- منصرف کنند؛ یعنی ذهنها را از این آمیختگی منصرف بکنند؛ حج، یک میدان عملی است برای اینکه این آمیختگی را نشان بدهد.

